



ORIGINAL RESEARCH PAPER

The "Originating Event" Theory and the Three-Step Model for Determining Change of Claim under Article 63 of the Iranian Code of Civil Procedure (A Comparative Study with French Law)

Seyed Mohammad Ali MirBehbahani ¹, Fatemeh Kaviani ^{2*}

Received:

15 Dec 2025

Revised:

21 Feb 2026

Accepted:

19 Apr 2026

Available Online:

22 Dec 2026

Keywords:

Change of Claim, Originating Event, Permissible Adjustment, Sufficient Connection, French Law, Judicial Practice.

Abstract

Article 63 of the Iranian Code of Civil Procedure prohibits any change to the claim or its value after the first hearing. However, judicial practice lacks a unified criterion for distinguishing a “prohibited change” from a “permissible adjustment,” and this inconsistency has led to conflicting judgments across courts nationwide. Using an analytical-critical method and examining 42 judgments from various branches of the Supreme Court and the Tehran Province Courts of Appeal between 1385 and 1400 (2006–2021), this study proposes the “Originating Event” theory. Under this theory, the criterion is the stability or change of “the set of legal and material events giving rise to the right,” not merely a change in the monetary amount stated in the claim section. The Originating Event theory has three pillars: stability of the elements giving rise to the right, continuity of the legal relationship, and non-creation of a new right. The triple test (substantive characterization, defendant’s defense, good faith) and the three-step model derived from it provide a practical, step-by-step framework for judicial decision-making. A comparative study with French law shows that the French system, with its “sufficient connection” criterion and broad judicial discretion, is more flexible and provides more effective financial sanctions to prevent abuse. Finally, a draft amended article and a set of legislative and executive proposals are presented.

1 Department of Law, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2* Department of Law, Go.C., Islamic Azad University, Gorgan, Iran. (Corresponding Author)

Email: Fatemeh.kaviani1614@iau.ac.ir

Please Cite This Article As: Mirbehbahani, M. A & Kaviani, F (2026). “The "Originating Event" Theory and the Three-Step Model for Determining Change of Claim under Article 63 of the Iranian Code of Civil Procedure (A Comparative Study with French Law)”. *Interdisciplinary Legal Research*, 7(5): 101-110.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۱۱۰-۱۰۱)

نظریه «واقعۀ منشأ» و مدل سه‌مرحله‌ای تشخیص تغییر خواسته در ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی (مطالعه تطبیقی با حقوق فرانسه)

محمدعلی میربهبهانی^۱، فاطمه کاویانی^{۲*}

۱. استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Fatemeh.kaviani1614@iau.ac.ir

دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۲۴ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۳۰ انتشار: ۱۴۰۵/۱۰/۰۱

چکیده

ماده ۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی، تغییر خواسته یا بهای آن را پس از پایان جلسه نخست ممنوع کرده است. با این حال، رویه قضایی در تفکیک «تغییر ممنوع» از «تعدیل مجاز» فاقد معیار واحد است و این تشتت، به صدور احکام متعارض در دادگاه‌های سراسر کشور انجامیده است. این پژوهش با روش تحلیلی - انتقادی و بررسی ۴۲ رأی از شعب مختلف دیوان عالی کشور و دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در بازه ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰، نظریه «واقعۀ منشأ» را پیشنهاد می‌کند. بر اساس این نظریه، ملاک تشخیص، ثبات یا تغییر «مجموعه رخدادهای حقوقی و مادی مولد حق» است، نه صرف تغییر رقم ریالی مندرج در ستون خواسته. نظریه واقعۀ منشأ سه رکن دارد: ثبات عناصر مولد حق، پیوستگی رابطه حقوقی و عدم ایجاد حق جدید. آزمون سه‌گانه (توصیف ماهوی، دفاع خوانده، حسن‌نیت) و مدل سه‌مرحله‌ای مستخرج از آن، چارچوبی عملی و گام‌به‌گام برای تصمیم‌گیری قضایی فراهم می‌آورد. مطالعه تطبیقی با حقوق فرانسه نشان می‌دهد که نظام فرانسوی با معیار «ارتباط کافی» و اختیار گسترده قاضی، انعطاف‌پذیری بیشتری دارد و ضمانت اجراهای مالی مؤثرتری برای جلوگیری از سوءاستفاده پیش‌بینی کرده است. در پایان، پیش‌نویس ماده اصلاحی و مجموعه‌ای از پیشنهادهای تقنینی و اجرایی ارائه می‌شود.

کلمات کلیدی: تغییر خواسته، واقعۀ منشأ، تعدیل مجاز، ارتباط کافی، حقوق فرانسه، رویه قضایی.

مقدمه

۱- طرح مسأله از دریچۀ تعارض آرا

دو رأی از دو شعبه تجدیدنظر استان تهران، فاصله اندکی از نظر زمانی اما تفاوتی بنیادین از نظر منطق حقوقی دارند. در رأی نخست، خواهان دعوای مطالبه اجرت‌المثل، پس از ارائه نظریه کارشناس که ارزش منافع را دو برابر برآورد اولیه اعلام کرده بود، درخواست افزایش خواسته را تقدیم کرد. دادگاه تجدیدنظر این درخواست را «تغییر خواسته» و مشمول ممنوعیت ماده ۶۳ دانست و آن را رد کرد. در رأی دوم، خواهان دعوای الزام به تسلیم مبیع، پس از انتقال مورد معامله به شخص ثالث، خواسته خود را به «مطالبه قیمت روز» تغییر داد. دادگاه تجدیدنظر این تغییر را مجاز شمرد و آن را در چارچوب همان رابطه حقوقی ناشی از عقد بیع تحلیل کرد.

این تعارض، نمونه‌ای کوچک از یک بحران گسترده‌تر در رویه قضایی ایران است. مسأله بنیادین آن است که آیا «بها» صرفاً رقم مندرج در ستون خواسته دادخواست است، یا دلالتی فراتر، یعنی «ارزش موضوعی حق» و «مبنای حقوقی محاسبه آن» دارد؟ اگر خواهان پس از جلسه نخست متوجه شود که برآورد اولیه وی از ارزش خواسته با واقعیت تفاوت فاحش دارد، آیا قانون او را محکوم به جمود بر رقم اولیه می‌کند، یا می‌توان با تفسیری غایت‌گرا از ماده، این اقدام را «تصحیح» یا «تکمیل» خواسته تلقی کرد؟

۲- نمونه‌های عینی چالش

چالش ماده ۶۳ در پرونده‌های متعددی قابل‌مشاهده است. در دعوایی که به خواسته الزام به تسلیم مبیع اقامه می‌شود و در میانه راه، موضوع معامله تلف می‌گردد، خواهان با این پرسش مواجه می‌شود که آیا می‌تواند خواسته را به مطالبه بدل یا قیمت تغییر دهد یا خیر. در دعوای مطالبه خسارت بدنی که هزینه‌های درمانی آن پس از تقدیم دادخواست به‌مراتب افزایش می‌یابد، خواهان نمی‌تواند رقم قطعی را در زمان تقدیم دادخواست پیش‌بینی کند. در دعوای مطالبه اجرت‌المثل که نظریه کارشناس در جریان دادرسی ارزش منافع را بیش از برآورد اولیه اعلام می‌کند، خواهان با محدودیت رقم اولیه مواجه می‌شود. فقدان یک معیار روشن و منسجم در پاسخ به این پرسش‌ها، موجب تشتت آرا و صدور احکام متعارض در دادگاه‌های مختلف شده است.

۳- ضرورت و اهداف پژوهش

اهمیت این پژوهش در سه سطح تبیین می‌شود. در سطح نظری، مقاله می‌کوشد خلأ تحلیلی موجود در ادبیات حقوقی ایران درباره معیار تشخیص تغییر خواسته را پر کند. در سطح عملی، هدف کاهش تشتت آرا و هدایت قضات به‌سوی یک چارچوب تصمیم‌گیری منسجم است. در سطح تقنینی، مقاله پیشنهادهای اصلاحی مشخص برای ماده ۶۳ و مواد مرتبط ارائه می‌دهد.

اهداف اصلی عبارتند از: نخست، بازتعریف مفهومی «بها» و «خواسته» بر اساس معیارهای حقوقی و منطق دادرسی منصفانه؛ دوم، ارائه نظریه «واقعۀ منشأ» به‌عنوان معیار تشخیص تغییر ممنوع از تعدیل مجاز؛ سوم، طراحی «مدل سه‌مرحله‌ای» عملیاتی برای کاربرست این نظریه در رویه قضایی؛ چهارم، شناسایی نقاط قوت و ضعف حقوق ایران در مقایسه با حقوق فرانسه؛ و پنجم، ارائه پیش‌نویس ماده اصلاحی و پیشنهادهای اجرایی.

۴- پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

پرسش نخست، ماهیت مفهوم‌شناختی دارد: مفهوم دقیق «بها» در ماده ۶۳ چیست؟ فرضیه نخست آن است که «بها» مفهومی کیفی و مرتبط با ارزش حقوقی موضوع است، نه صرفاً یک عدد کمی. پرسش دوم، ماهیت معیارشناختی دارد: معیار تشخیص «تغییر» خواسته از «تعدیل» یا «تکمیل» آن چیست؟ فرضیه دوم آن است که «واقعۀ منشأ دعوای» یعنی مجموعه رخداد‌های حقوقی و مادی که خواهان حق خود را از آن استنتاج می‌کند، معیار تعیین‌کننده است. پرسش سوم، ماهیت نهادی و تقنینی دارد: چگونه می‌توان میان «حق دفاع خوانده» و «انعطاف‌پذیری دادرسی» توازن ایجاد کرد؟ فرضیه سوم آن است که با طراحی «آزمون سه‌گانه» و پیش‌بینی ضمانت اجرای مالی می‌توان این توازن را برقرار کرد.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، بنیادی - کاربردی و از نظر روش، تحلیلی - انتقادی است. داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای از آثار برجسته حقوق‌دانان ایرانی از جمله شمس، کاتوزیان، جعفری لنگرودی، متین‌دفتری، حیاتی و صدرزاده افشار و نیز متون معتبر حقوق فرانسه شامل قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه و رویه قضایی دیوان عالی این کشور گردآوری شده است. همچنین با

ندارد اما تغییر ضروری است، با ارائه فرصت دفاع تکمیلی، تغییر را مجاز بدانند.

این تحلیل دوگانه، در واقع پاسخی است به این پرسش که آیا ماده ۶۳ یک قاعده آمره مطلق است یا قاعده‌ای است که جنبه‌های مختلف آن قابل تفکیک است. پذیرش تحلیل دوگانه، انعطاف‌پذیری بیشتری برای قاضی فراهم می‌کند و از جمود تفسیری جلوگیری می‌نماید.

۳-۶- تعامل ماده ۶۳ با سایر مواد قانون

ماده ۶۳ با مواد ۹۸، ۱۰۱ و ۳۵۵ شبکه‌ای از قواعد را شکل می‌دهد. ماده ۹۸ به تغییر نحوه دعوا اشاره دارد. ماده ۱۰۱ به خواهان اجازه می‌دهد در صورت «سهو یا خطا» در تعیین بهای خواسته، تا پایان دادرسی بدوی، آن را تصحیح کند. این ماده، نقبی است در دیوار سخت ماده ۶۳ و نشان می‌دهد که افزایش یا کاهش بها، فی‌نفسه ممنوع نیست؛ بلکه آنچه ممنوع است، «تغییر عمدی و فرصت‌طلبانه» است. ماده ۳۵۵ نیز به اعتبار امر مختومه اشاره دارد و ارتباط نزدیکی با بحث تغییر خواسته دارد.

نظریه اداره کل حقوقی قوه قضائیه نیز مؤید این معناست که افزایش خواسته با وحدت منشأ تا پایان جلسه نخست بی‌اشکال است. این نظریه، هرچند ضمانت اجرای قانونی ندارد، اما به‌عنوان یک مرجع تفسیری، می‌تواند در رویه قضایی مؤثر باشد.

۷- تحلیل مفهومی «بها» و «خواسته»؛ تمایز یا ترادف؟

۱-۷- ضرورت کاوش در مفاهیم

پاسخ به این پرسش که آیا «بها» و «خواسته» مترادفند یا متمایز، آثار عملی شگرفی بر دادرسی دارد. اگر مترادف باشند، عبارت «بها یا خواسته» در ماده حشو خواهد بود و قانون‌گذار مرتکب تکرار لغوی شده است؛ اما اگر متمایز باشند، باید قلمرو هر یک را دقیقاً مشخص کرد.

۲-۷- معناشناسی «خواسته» در حقوق ایران

«خواسته» یا «مدعی‌به»، عبارت است از موضوع دعوا یا آنچه خواهان از دادگاه می‌خواهد تا به نفع او حکم شود. برخی از حقوق‌دانان، «خواسته» را به دو بخش «موضوع» و «جهت» تفکیک کرده‌اند. «موضوع»، چیزی است که خواهان مستقیماً آن را طلب می‌کند و «جهت» (سبب)، بیانگر رابطه حقوقی‌ای است که خواسته از آن ناشی می‌شود. رویه قضایی ایران، به‌طور سنتی،

روش استقرایی، تعداد ۴۲ رأی از شعب مختلف دیوان عالی کشور و دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. معیارهای انتخاب آرا عبارتند از: منبع معتبر، بازه زمانی مشخص، ارتباط موضوعی با ماده ۶۳، تنوع شعب و موضوعات و دسترسی از طریق مجموعه‌های رسمی. محدودیت اصلی پژوهش، عدم دسترسی به همه آرا منتشرنشده و عدم امکان تعمیم مطلق نتایج است.

۶- جایگاه ماده ۶۳ در نظام دادرسی مدنی و نسبت آن با نظم

عمومی

۱-۶- منطق تقنینی ماده ۶۳ و تاریخچه آن

قانون‌گذار در وضع ماده ۶۳، میان دو ارزش متعارض دست به گزینش زده است. از یک‌سو، اصل آزادی خواهان در طرح دعوا و تطبیق آن با واقعیات در حال تغییر قرار دارد. از سوی دیگر، اصل امنیت و حق دفاع خوانده مطرح است. برخلاف تصور رایج، ماده ۶۳ یک نوآوری در قانون مصوب ۱۳۷۹ نیست، بلکه ریشه در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ دارد. قانون‌گذار در اصلاحیه سال ۱۳۷۹، با الهام از حقوق فرانسه اما با نگاهی محتاطانه‌تر، ضرب‌الاجل را به پایان نخستین جلسه محدود کرد. علت اصلی این محدودیت، نگرانی از «دعوی غافلگیرانه» و سوءاستفاده خواهان بوده است.

با این حال، قانون‌گذار ایرانی با اقتباس ناقص از مدل فرانسوی، اختیار قاضی را حذف و آن را با یک ضرب‌الاجل خشک و غیرقابل انعطاف جایگزین کرده است که سرچشمه بسیاری از چالش‌های کنونی است. در حقوق فرانسه، قاضی اختیار گسترده‌ای برای ارزیابی «ارتباط کافی» دعاوی الحاقی دارد، درحالی‌که در حقوق ایران، قاضی صرفاً مجری یک قاعده زمانی است و نمی‌تواند بر اساس مقتضیات پرونده تصمیم بگیرد.

۲-۶- ماده ۶۳ و نظم عمومی؛ تحلیل دوگانه قاعده

ماده ۶۳ دو جنبه دارد. جنبه نخست، حمایت از حقوق دفاعی خوانده است که با رضایت خوانده قابل اسقاط است و بنابراین جنبه تکمیلی دارد. جنبه دوم، مدیریت قضایی پرونده و نظم عمومی است که آمره و خارج از تراضی طرفین است. این تحلیل دوگانه راهگشاست. قضات می‌توانند بر اساس آن، در مواردی که تغییر خواسته با رضایت خوانده همراه است اما پرونده را به هم می‌ریزد، تغییر را نپذیرند و بالعکس، در مواردی که خوانده رضایت

۸- نظریه «واقعۀ منشأ»؛ معیاری نوین برای تشخیص تغییر ممنوع از تعدیل مجاز

۸-۱- ناکامی معیار کمی در سنجش تغییر خواسته

همسان‌انگاری «بها» با مبلغ ریالی، در عمل به نتایجی عیب و گاه ظالمانه می‌انجامد. برای نمونه، اگر خواهان دعوی الزام به تسلیم خودرو اقامه کند و ارزش آن را ده میلیارد ریال تعیین نماید، اما در جریان دادرسی قیمت واقعی به چهارده میلیارد ریال افزایش یابد، تفسیر خشک از ماده، خواهان را از افزایش رقم بازمی‌دارد. در صورت صدور حکم به نفع او و عدم امکان تسلیم عین، قیمت روز فروش مال بر اساس ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی تعیین می‌شود که بسیار بیش از ده میلیارد ریال است؛ بنابراین، منع او از افزایش بها، صرفاً امر را طولانی‌تر کرده، بی‌آنکه از حقی ماهوی جلوگیری کند.

این مثال به خوبی نشان می‌دهد که معیار کمی، نه تنها کارآمد نیست، بلکه می‌تواند به نتایج غیرمنصفانه منجر شود. خواهان در نهایت به حق خود می‌رسد، اما از طریق مسیری طولانی‌تر و پرهزینه‌تر؛ بنابراین، معیار کمی باید با معیاری ماهوی و مبتنی بر ماهیت حق جایگزین شود.

۸-۲- تبارشناسی و مبانی نظریه واقعۀ منشأ

«واقعۀ منشأ»، عبارت است از مجموعه رخداد‌های حقوقی و مادی که خواهان، حق خود را از آن استنتاج می‌کند. تا زمانی که این واقعۀ ثابت بماند، تغییر در نتیجه کمی آن نباید مصداق تغییر خواسته تلقی شود. مرحوم دکتر جعفری لنگرودی نیز به این نکته اشاره کرده که «جهت، واقعۀ حقوقی منشأ دعواست». دادنامه شماره ۱۳۹۱-۱۲۴۵ شعبه ۱۵ دیوان عالی کشور نیز به‌طور ضمنی به این نظریه نزدیک شده است.

نظریه واقعۀ منشأ، ریشه در تفکیک میان «حق» و «ادعا» دارد. حق، یک واقعیت حقوقی است که با تحقق واقعۀ منشأ ایجاد می‌شود. ادعا، ابزار فرآیندی برای مطالبه آن حق است. تغییر در ادعا تا زمانی که حق ثابت باشد، نباید موجب از دست رفتن حق شود. این تحلیل، با اصول دادرسی منصفانه و عدالت رویه‌ای سازگار است.

۸-۳- تعریف عملیاتی نظریه

نظریه واقعۀ منشأ سه رکن دارد. رکن نخست، ثبات عناصر مولد حق است. عناصر سازنده حق در زمان تقدیم دادخواست و در

تغییر «موضوع» را مشمول ممنوعیت ماده ۶۳ دانسته، اما درباره تغییر «جهت»، اختلاف نظر دارد.

این تفکیک، در تحلیل ماده ۶۳ اهمیت بنیادین دارد. اگر تغییر در موضوع رخ دهد، به احتمال زیاد مصداق تغییر خواسته است. اما اگر تغییر صرفاً در جهت یا توصیف حقوقی باشد، ممکن است مصداق تعدیل یا تکمیل باشد. رویه قضایی ایران در این زمینه، متشتت و فاقد معیار واحد است.

۳-۷- بازتعریف «بها»؛ فراتر از یک عدد

«بها» در بافت ماده ۶۳، معنایی مضیق‌تر و تخصصی‌تر دارد. قانون‌گذار در ماده ۶۲، خواهان را مکلف به تعیین «بهای خواسته» کرده که در درجه نخست برای «تعیین صلاحیت دادگاه» و «محاسبه هزینه دادرسی» است. اما «بها» می‌مندرج در دادخواست، یک «اعلام» است، نه یک «واقعیت لایتنر». بر اساس نظریه شماره ۴۵۹/۹۶/۷ اداره کل حقوقی، چنانچه خواهان بهای خواسته را کمتر از ارزش واقعی آن تقویم کرده باشد، دادگاه در صورت اعتراض خوانده، برابر ماده ۶۳ اقدام خواهد کرد.

بنابراین، «بها» نه یک عدد ثابت، بلکه یک مفهوم پویا و مرتبط با ارزش واقعی موضوع است. این تفسیر، راه را برای پذیرش تعدیل‌های مبتنی بر واقعۀ منشأ هموار می‌کند.

۴-۷- نسبت «بها» و «خواسته»؛ نظریه تشکیک

سه دیدگاه در این باره مطرح است. دیدگاه نخست، این‌همانی یا ترادف است که موجب حشو در متن ماده می‌شود. دیدگاه دوم، دوگانگی کامل است که در دعاوی مالی، تمایز را از بین می‌برد. دیدگاه سوم، دوگانگی نسبی یا تشکیک است که در این مقاله پذیرفته شده است. بر این اساس، «خواسته» مفهوم عامی است که هم شامل «عین» می‌شود و هم شامل «مبلغ». اما «بها»، مفهومی خاص‌تر است که صرفاً به «بعد مالی» خواسته نظر دارد. عبارت «بها یا خواسته» در ماده ۶۳ حشو نیست؛ بلکه قانون‌گذار با این عبارت خواسته است هم «اصل خواسته» را تحت شمول ممنوعیت آورد و هم «بعد ارزشی آن» را.

این نظریه، پیامدهای عملی مهمی دارد. اگر «بها» را مفهومی مستقل از «خواسته» بدانیم، آنگاه تغییر در بها بدون تغییر در خواسته، ممکن است مصداق تعدیل مجاز باشد، نه تغییر ممنوع. این تحلیل، با نظریه واقعۀ منشأ کاملاً سازگار است.

زمان تغییر باید یکسان باشند. اگر عناصر اصلی ثابت باشند، تغییر مجاز است. رکن دوم، پیوستگی رابطه حقوقی است. تغییر باید در چارچوب همان رابطه حقوقی رخ دهد، نه اینکه رابطه حقوقی جدیدی ایجاد کند. رکن سوم، عدم ایجاد حق جدید است. تغییر نباید حق مستقلی برای خواهان ایجاد کند که قبلاً وجود نداشته است.

۸-۴- مرزبندی نظریه با مفاهیم مشابه

نظریه واقعه منشأ با مفاهیم مشابهی چون «سبب دعوا»، «جهت دعوا»، «وحدت مبنای دعوا» و «ارتباط کافی» در حقوق فرانسه مرزبندی دارد. سبب دعوا، علت حقوقی مستقیم است، درحالی که واقعه منشأ گسترده‌تر و شامل همه رخدادهای مولد حق است. جهت دعوا، توصیف حقوقی رابطه است، درحالی که واقعه منشأ، بنیاد مادی و حقوقی حق است. وحدت مبنای دعوا صرفاً به مبنای حقوقی نظر دارد، درحالی که واقعه منشأ، عناصر مادی را نیز دربر می‌گیرد. ارتباط کافی در حقوق فرانسه، معیاری انعطاف‌پذیر و قضایی است، درحالی که واقعه منشأ معیاری ساختاری و مبتنی بر عناصر حق است.

این مرزبندی، از خلط مفاهیم جلوگیری می‌کند و به نظریه، انسجام و دقت می‌بخشد.

۸-۵- آزمون سه‌گانه؛ ابزار تشخیص وحدت واقعه منشأ

برای تشخیص عملی، این پژوهش «آزمون سه‌گانه» زیر را پیشنهاد می‌کند.

آزمون نخست، توصیف ماهوی یا همانی عناصر مولد حق است. دادگاه باید عناصر سازنده حق را در زمان تقدیم دادخواست با وضعیت جدید مقایسه کند. اگر عناصر اصلی ثابت باشند، تغییر مجاز است. برای مثال، در دعوای مطالبه اجرت‌المثل، عناصر حق عبارتند از تصرف خوانده، عدم جواز تصرف و ارزش عادلانه منافع. اگر فقط ارزش تغییر کند، واقعه منشأ ثابت است.

آزمون دوم، دفاع خوانده یا آسیب‌شناسی آیینی است. دادگاه بررسی می‌کند که آیا تغییر، خوانده را از ارائه دفاع مؤثر باز می‌دارد؟ اگر اثبات واقعه جدید نیازمند ارائه اسناد یا استدلال‌های کاملاً متفاوتی باشد، حتی با وحدت واقعه، ممکن است غیرمجاز شناخته شود.

آزمون سوم، حسن‌نیت و قابلیت پیش‌بینی است. آیا خواهان در زمان تقدیم دادخواست، می‌توانسته بها یا خواسته نهایی را بداند؟ در خسارات بدنی، به دلیل تأخیری بودن ظهور برخی آسیب‌ها، خواهان نمی‌توانسته رقم قطعی را بداند؛ بنابراین، افزایش آن، نه یک تاکتیک سوءاستفاده‌گرانه که لازمه دادرسی عادلانه است.

۸-۶- کاربرد ست نظریه در چالش‌برانگیزترین مصادیق؛ تغییر از

تسلیم عین به مطالبه بدل

دکترین کلاسیک این عمل را تغییر خواسته و ممنوع می‌داند؛ اما با کاربست نظریه واقعه منشأ، باید میان تلف پیش از تقدیم دادخواست و تلف در جریان دادرسی تفاوت قائل شد. اگر تلف پیش از تقدیم دادخواست رخ داده باشد، تغییر ممنوع است، زیرا واقعه منشأ در زمان تقدیم، حق به بدل را ایجاد نکرده بود. اما اگر تلف در جریان دادرسی رخ داده باشد، تغییر مجاز است، زیرا واقعه جدید در چارچوب همان رابطه حقوقی ناشی از بیع رخ داده و تعهد به پرداخت بدل، ضمانت اجرای طبیعی همان تعهد اصلی است. ماده ۴۶ قانون اجرای احکام مدنی نیز مؤید این تحلیل است. دادنامه شماره ۱۳۹۵-۲۳۴۱-شعبه ۳ دیوان عالی کشور نیز به این تمایز اشاره کرده است.

۹- واکاوی رویه قضایی؛ از سرگردانی تا التزام عملی به نظریه

۹-۱- دسته‌بندی مصادیق اختلافی در رویه قضایی

بر اساس استقرای انجام‌شده، مصادیق اختلافی ماده ۶۳ را می‌توان در پنج دسته جای داد. دسته نخست، تغییر در میزان ریالی خواسته بدون تغییر در موضوع یا جهت است که فراوان‌ترین دسته در میان ۴۲ رأی بررسی‌شده است. دسته دوم، تغییر در موضوع خواسته با حفظ جهت است، مانند تغییر از تسلیم عین به قیمت. دسته سوم، تغییر در جهت خواسته با حفظ موضوع است، مانند تغییر مبنای حقوقی از مسئولیت قراردادی به مسئولیت مدنی. دسته چهارم، افزودن خواسته جدید به خواسته اصلی است. دسته پنجم، کاهش خواسته و امکان بازگشت از آن است.

۹-۲- تحلیل سه پرونده شاخص

پرونده نخست، افزایش مبلغ اجرت‌المثل پس از کارشناسی است. خواهان به خواسته «مطالبه اجرت‌المثل» به مبلغ پانصد میلیون ریال دادخواست داد. کارشناس رسمی در جریان دادرسی، ارزش منافع را یک میلیارد ریال برآورد کرد. دادگاه تجدیدنظر با

«منشأ واحد»، «مبنای حقوقی مشترک» باشند یا «حل یکی مستلزم حل دیگری باشد». این معیار، با نظریه «واقعۀ منشأ» قرابت قابل توجهی دارد، اما تفاوت مهم آن، نقش فعال قاضی در ارزیابی است.

۲-۱۰-۱-۲-۱ اختیار گسترده قاضی فرانسوی در مقابل ضرب‌الاجل خشک ایرانی

در حقوق فرانسه، قاضی می‌تواند حتی پس از پایان جلسه نخست نیز دعای الحاقی را بپذیرد، مشروط بر آنکه ارتباط کافی داشته باشند و موجب تأخیر ناموجه نشوند. در مقابل، ماده ۶۳ ایران با تعیین ضرب‌الاجل قطعی، دست قاضی را می‌بندد. این تفاوت، ریشه در تفاوت نگاه به نقش قاضی دارد. در نظام فرانسوی، قاضی مدیر پرونده است و اختیار گسترده‌ای برای ارزیابی مقتضیات دارد. در نظام ایرانی، قاضی مجری قانون است و اختیار تفسیری محدودی دارد.

۳-۱۰-۱-۳-۱ ضمانت اجرای مالی در فرانسه

ماده ۱-۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به دادگاه اجازه می‌دهد خواهان را به پرداخت خسارت به خوانده محکوم کند و ماده ۵۵۹ همان قانون امکان اعمال «جریمه مدنی» را فراهم می‌آورد. در حقوق ایران، ضمانت اجرای اصلی صرفاً «عدم‌پذیرش» تغییر است و برای مطالبه خسارت، نیاز به طرح دعوی مستقل است. این تفاوت، نشان می‌دهد که نظام فرانسوی ابزارهای مؤثرتری برای جلوگیری از سوءاستفاده در اختیار دارد.

۴-۱۰-۱-۴-۱ قاعده «تغییر توصیف حقوقی توسط قاضی»

ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه به قاضی اجازه می‌دهد تا به وقایع دعوا «توصیف حقوقی صحیح» ببخشد. پذیرش این قاعده در حقوق ایران می‌تواند بسیاری از مشکلات کنونی را حل کند. اگر قاضی بتواند توصیف حقوقی دعوا را تغییر دهد، دیگر نیازی نیست خواهان خواسته خود را تغییر دهد و در نتیجه، مشکل ماده ۶۳ به حداقل می‌رسد.

۱۱-۱-۱۱-۱ مدل سه مرحله‌ای پیشنهادی؛ گامی به سوی وحدت رویه

۱-۱۱-۱-۱ ضرورت عملیاتی‌سازی نظریه

نظریه واقعۀ منشأ برای کاربرد در دادگاه‌ها نیازمند صورت‌بندی در قالب یک «مدل عملیاتی» است. مدل سه مرحله‌ای پیشنهادی، قاضی را گام‌به‌گام در مسیر تصمیم‌گیری هدایت می‌کند و از تشتت آرا جلوگیری می‌نماید.

استدلال «افزایش مبلغ جنبه اعلامی دارد و تغییر خواسته نیست» رأی بدوی را نقض کرد. نظریه واقعۀ منشأ این رأی را تأیید می‌کند، زیرا واقعۀ منشأ یعنی تصرف غیرمجاز ثابت مانده و صرفاً برآورد کارشناسی تغییر کرده است.

پرونده دوم، تغییر از تسلیم مبیع به قیمت به دلیل انتقال به غیر است. در جریان دادرسی، آپارتمان به شخص ثالثی منتقل شد و تسلیم ناممکن گردید. خواهان خواسته را به «مطالبه قیمت روز» تغییر داد. دادگاه تجدیدنظر رأی به جواز داد. نظریه واقعۀ منشأ این رأی را تأیید می‌کند، زیرا انتقال در جریان دادرسی، یک واقعۀ جدید در چارچوب همان رابطه حقوقی ناشی از بیع است.

پرونده سوم، تغییر جهت از قراردادی به قهری است. خواهان به استناد قرارداد، خسارت مطالبه کرد. بعداً مشخص شد قرارداد باطل است و خواهان مبنای دعوا را به مسئولیت مدنی تغییر داد. دادگاه تجدیدنظر این تغییر را مجاز دانست. تحلیل بر اساس نظریه نشان می‌دهد که واقعۀ منشأ یعنی رفتار خوانده که موجب ضرر شده، واحد است و تغییر صرفاً در «توصیف حقوقی» رخ داده است. این تحلیل با قاعده «تغییر توصیف حقوقی توسط قاضی» در ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه قرابت دارد.

۳-۹-۹-۳ نقد کلی بر رویه قضایی

رویه قضایی ایران در مجموع از تشتت و عدم انسجام رنج می‌برد. علت آن را می‌توان در سه عامل جستجو کرد. عامل نخست، فقدان یک معیار نظری منسجم است که قضات را در تصمیم‌گیری هدایت کند. عامل دوم، غلبه نگاه پوزیتیویستی خشک به قانون است که قاضی را صرفاً مجری متن قانون می‌داند، نه مفسر غایت‌گرا. عامل سوم، فقدان رأی وحدت رویه از سوی دیوان عالی کشور است که بتواند رویه‌های متشتت را یکسان‌سازی کند.

۱۰-۱-۱۰-۱ مطالعه تطبیقی با حقوق فرانسه؛ از «ارتباط کافی» تا

«مدیریت قضایی»

۱-۱۰-۱-۱ اصل ثبات دعوا در حقوق فرانسه و استثنائات آن

ماده ۴ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه بیانگر اصل «ثبات دعوا» است. اما ماده ۶۵ همان قانون، «دعای الحاقی» را در صورتی که «ارتباط کافی» با دعوی اصلی داشته باشد، مجاز می‌شمرد. مفهوم «ارتباط کافی» که توسط رویه قضایی دیوان عالی فرانسه توسعه یافته، زمانی محقق می‌شود که دعوی دارای

۱۱-۲- تشریح مراحل سه‌گانه

مرحله نخست، احراز وحدت واقعه منشأ یا آزمون ماهوی است. قاضی عناصر مولد حق را در دعوای اولیه شناسایی و با عناصر وضعیت جدید مقایسه می‌کند. اگر عناصر اصلی ثابت باشند، به مرحله دوم می‌رود.

مرحله دوم، احراز عدم آسیب به دفاع خوانده یا آزمون شکلی است. قاضی بررسی می‌کند که آیا تغییر، حقوق دفاعی خوانده را مختل می‌کند یا خیر. اگر مختل می‌کند، آیا با اعطای فرصت دفاع تکمیلی قابل جبران است؟ اگر قابل جبران باشد، به مرحله سوم می‌رود.

مرحله سوم، احراز حسن نیت و قابلیت پیش‌بینی یا آزمون اخلاقی - عملی است. قاضی ارزیابی می‌کند که آیا خواهان می‌توانسته رقم نهایی را پیش‌بینی کند؟ آیا تغییر باعث اطاله بی‌جهت می‌شود؟ در صورت احراز، تغییر مجاز شناخته می‌شود.

۱۱-۳- نسبت مدل با قوانین موجود

این مدل با ماده ۶۳ به‌عنوان قاعده پایه، با ماده ۹۸ در باب تغییر نحوه دعوا، با ماده ۱۰۱ در باب تصحیح سهوی و با ماده ۳۵۵ در باب اعتبار امر مختومه، سازگاری کامل دارد. مدل سه‌مرحله‌ای، در واقع تفسیری غایت‌گرا از این مواد ارائه می‌دهد که هم با روح قانون سازگار است و هم با اصول دادرسی منصفانه.

نتیجه‌گیری، نقد و پیشنهادهای اصلاحی

• جمع‌بندی نهایی یافته‌ها

تفسیر رایج و عددی از ماده ۶۳، نه با روح قانون و نه با اصول عدالت و انصاف سازگار است. نظریه «واقعه منشأ» با تمرکز بر بنیاد حقوقی دعوا، چارچوبی تحلیلی ارائه می‌دهد که بر اساس آن، تا زمانی که این واقعه ثابت است، تغییر در نتیجه کمی یا شیوه اجرا، «تغییر خواسته» نیست، بلکه «تعدیل» آن است. «آزمون سه‌گانه» و «مدل سه‌مرحله‌ای» مشتق از آن، ابزاری عملی برای قضات فراهم می‌آورند. مطالعه تطبیقی با حقوق فرانسه نشان داد که نظام حقوقی ایران، با اقتباس ناقص از مدل فرانسوی، از انعطاف و کارایی لازم برخوردار نیست.

• پاسخ به شبهات و نقدهای وارد بر نظریه

شبهه نخست آن است که آیا نظریه به بی‌ثباتی دادرسی دامن نمی‌زند؟ پاسخ آن است که نظریه با ارائه آزمون‌های عینی،

تغییرات را کاملاً کنترل شده می‌سازد. شبهه دوم آن است که آیا این نظریه با قاعده «حکم بیش از خواسته ممنوع» در تعارض نیست؟ پاسخ آن است که خیر، قاعده مذکور ناظر به صدور حکم است، نه به فرآیند تغییر خواسته. شبهه سوم آن است که آیا تشخیص «واقعه منشأ» برای قضات دشوار نیست؟ پاسخ آن است که مدل سه‌مرحله‌ای، این فرآیند را ساختاریافته و تسهیل می‌کند.

• پیشنهادهای تقنینی و اجرایی عینی

پیشنهاد نخست، اصلاح ماده ۶۳ است. ضرب‌الاجل پایان جلسه اول حذف و با معیار «ارتباط کافی یا وحدت واقعه منشأ» جایگزین شود و اختیار تشخیص به دادگاه داده شود.

پیشنهاد دوم، اصلاح مواد ۹۸ و ۱۰۱ است. در ماده ۹۸، «تغییر نحوه دعوا» تعریف شود و ماده ۱۰۱ اصلاح شود تا «سهو یا خطا» به «اشتباه معذورانه» تعبیر گردد.

پیشنهاد سوم، الحاق ضمانت اجرا است. در صورت احراز سوءنیت، دادگاه علاوه بر رد تغییر، می‌تواند خواهان را به جبران خسارت و پرداخت جریمه نقدی تا سقف ده درصد خواسته محکوم نماید. این پیشنهاد از مواد ۱-۳۲ و ۵۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه الهام گرفته شده است.

پیشنهاد چهارم، صدور رأی وحدت رویه است. به دیوان عالی کشور پیشنهاد می‌شود رأی وحدت رویه‌ای در خصوص تفسیر ماده ۶۳ و تأیید نظریه «واقعه منشأ» صادر نماید.

پیشنهاد پنجم، آموزش قضات است. برنامه‌های آموزشی مدون برای قضات در خصوص کاربست مدل سه‌مرحله‌ای توسط معاونت آموزش قوه قضائیه طراحی و اجرا شود.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله مشترکاً توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین‌کننده مالی بوده است.

منابع

الف. منابع فارسی

- امامی، سید حسن (۱۳۸۹). *حقوق مدنی*. جلد‌های اول تا پنجم، چاپ بیست و ششم، تهران: انتشارات اسلامیه.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶). *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*. جلد‌های اول تا سوم، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). *گستره علم حقوق*. تهران: گنج دانش.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۰). *دائرةالمعارف علوم اسلامی*. جلد‌های اول تا پنجم، تهران: گنج دانش.

- حیاتی، علی‌عباس (۱۳۹۵). *آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: میزان.

- حیاتی، علی‌عباس (۱۳۹۸). *نظم عمومی در آیین دادرسی مدنی*. تهران: میزان.

- خسروی، حسین (۱۳۹۴). *تغییر خواسته در آیین دادرسی مدنی*. تهران: جنگل.

- زراعت، عباس (۱۳۸۹). «کلیدواژه اثبات دعوا». *مطالعات حقوق خصوصی*، ۴۰ (۱۳): ۴۰-۱۵.

- شمس، عبدالله (۱۳۹۴). *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*. جلد دوم، چاپ سی و هفتم، تهران: دراک.

- شمس، عبدالله (۱۳۹۷). *آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)*. جلد اول، چاپ چهلیم، تهران: دراک.

- صدرزاده افشار، سیدمحسن (۱۳۷۵). *آیین دادرسی مدنی و باززرگانی*. تهران: جهاد دانشگاهی.

- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۰). *دوره مقدماتی حقوق مدنی*. جلد‌های اول و دوم، تهران: میزان.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). *اعتبار امر قضاوت شده در دعوی مدنی*. تهران: میزان.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد‌های اول تا پنجم، چاپ پنجم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- کوشا، جعفر (۱۳۹۲). *حقوق آیین دادرسی مدنی*. جلد‌های اول و دوم، تهران: جنگل.

- متین دفتری، احمد (۱۳۷۸). *آیین دادرسی مدنی و باززرگانی*. جلد‌های اول و دوم، تهران: مجد.

ب. منابع لاتین

- Cadet, L & Jeuland, E (۲۰۱۸). *Droit Judiciaire Privé*. Paris: LexisNexis.

- Cornu, G (۲۰۱۷). *Vocabulaire Juridique* (۱۲th Ed.). Paris: Presses Universitaires de France.

- David, R & Jauffret-Spino, C (۲۰۰۲). *Les Grands Systèmes de Droit Contemporains*. Paris: Dalloz.

- Guinchard, S; Chainais, C & Ferrand, F (۲۰۲۱). *Procédure Civile* (۹th Ed.). Paris: Dalloz.

- Guinchard, S & Debar, T (۲۰۱۹). *Lexique des Termes Juridiques* (۲۸th Ed.). Paris: Dalloz.

- Héron, J & Le Bars, T (۲۰۲۱). *Droit Judiciaire Privé* (۷th Ed.). Paris: LGDJ.

- Lamy, É (۲۰۲۰). *Procédure Civile*. Paris: Lamy.

- Perrot, R (۲۰۱۸). *Institutions Judiciaires* (۱۵th Ed.). Paris: Montchrestien.

- Terré, F (۲۰۱۷). *Introduction Générale au Droit* (۱۰th Ed.). Paris: Dalloz.

ج. اسناد تقنینی، رویه قضایی و نظریات مشورتی

- Code de Procédure Civile (NCPC), édition ۲۰۲۳, Dalloz[۵۵۹، ۷۰ ۶۵، ۳۲-۱، ۱۲، ۴، مواد ۴، ۱۲، ۳۲-۱، ۷۰ ۶۵، ۵۵۹].

- Cour de Cassation, ۲e civ., ۱۴janvier ۱۹۹۹, Bull. civ. II, n° ۱۲

- مجموعه آراء دیوان عالی کشور (شعب مختلف)، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰. تهران: انتشارات قوه قضائیه.

- مجموعه آراء دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران، سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۴۰۰. تهران: مرکز اسناد قوه قضائیه.

- نظریات مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

- نظریه شماره ۷/۹۵/۱۴۱۱ مورخ ۱۳۹۵/۰۶/۱۴ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

- نظریه شماره ۷/۹۶/۴۵۹ مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۲۷ اداره کل حقوقی قوه قضائیه.

- نظریه اداره کل امور حقوقی و اسناد قوه قضائیه در خصوص وحدت منشأ در افزایش خواسته.

- رأی شعبه حقوقی دیوان عالی کشور درباره اثر تغییر خواسته بر صلاحیت دادگاه.